

انگیزه‌ها و پیامدهای هجرت در اسلام

رحمت‌الله عبدالله زاده آرانی *

مقدمه

مهاجرت پدیده‌ای اجتماعی است که تأثیرهای فراوان در ابعاد گوناگون جوامع بشری دارد. از جمله پیامدهای عمده آن پیدایش تمدن‌هاست. تاریخ نشان می‌دهد که قدیمی‌ترین تمدن‌ها تا جدیدترین آنها به دنبال یک مهاجرت ظهور یافته‌اند. آرنولد توین بی، جامعه‌شناس و تاریخ‌دان معروف، بزرگترین تمدن‌ها را مربوط به بین‌النهرین می‌داند که مربوط به پنج هزار سال پیش هستند و همه پس از یک مهاجرت پدید آمده‌اند (توین بی، ۱۳۶۶: ۶۱). همچنین او در ورای تمدن‌های معاصر، تمدن‌های باستان را می‌بیند که شمارشان به بیست و شش تمدن می‌رسد و همگی به دنبال یک مهاجرت پدیدار شده‌اند (توین بی، [بی تا]، «مقدمه»).

در فرهنگ اسلامی، هجرت در برابر واژه «تعرب» به کار رفته است و «تعرب» به معنای بازگشت به بدویت و جاهلیت است. امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه «قاصعه»،

چکیده: «هجرت» در فرهنگ اجتماعی اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. آیات قرآن و سیره عملی رسول گرامی اسلام (ص) بیانگر تأثیر شگرف این پدیده اجتماعی در ساختار جامعه اسلامی هستند. چه بسا که به یک نگرش سطحی هجرت رهایی از فشار موجود بر جامعه و ستم حاکم بر آن قلمداد شود، اما از منظری دیگر درمی‌یابیم که هر چند هجرت کاهش فشار اجتماعی می‌شود، ولی آنچه فراتر از آن وجود دارد، دستیابی به جامعه‌ای است که در پرتو هجرت تحقق می‌یابد. لذا در این نگرش، «هجرت» صرفاً «فرار» از وضع موجود نیست بلکه حرکتی به سوی جامعه‌ای متعالی است که پیوند نزدیک با «تمدن اسلامی» پیدا می‌کند.

در این نوشتار کوشش می‌شود که با تبیین انگیزه‌ها و پیامدهای این پدیده در اسلام، که نقطه اوج آن یعنی هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه، نقش این حرکت در تمرکز نظام سیاسی اسلام و تشکیل جامعه مدنی مبتنی بر قوانین و مقررات در شئون مختلف جامعه نوپای اسلامی بیان گردد.

کلیدواژه: هجرت در اسلام، تمدن اسلامی، حضرت محمد (ص).

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور، مرکز آران و بیدگل

بررسی ما را به تفاوت دیدگاههایی نیز که در این زمینه وجود دارند، رهنمون می‌شود.

۱.۱ دستیابی به گشایش و امنیت

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِقًا كَثِيرًا وَسَعَةً» (نساء، آیه ۱۰۰). بر این اساس خداوند یافتن نقطه امن و گشایش را از فواید هجرت می‌شمارد. در مجمع‌البیان توسعه‌ای که به سبب هجرت حاصل می‌شود، عبارت از گشایشی است که پس از غلبه تنگناهای مشرکین بر مهاجرین به وجود می‌آید (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۵۲۳).

همچنین خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنبُوْتَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَآ جَزَاءُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (نحل، آیه ۴۱)، و در این آیه به مهاجرین وعده داده است که در دنیا به نتیجه هجرت خود دست می‌یابند و در آخرت نیز به پاداش اخروی آن می‌رسند. صاحب مجمع‌البیان (۱۴۰۶: ۵۵۶۶) در تفسیر این آیه به هجرت مسلمانان اشاره می‌کند و مفارقت از وطن و سرزمین و اهل خانواده را که در راه خدا و رضای او پس از ستم مشرکین انجام می‌گیرد، موجب رسیدن به اجر دنیوی که عبارت از یافتن سرزمین نیکو به جای وطن قبلی است، می‌داند. در المیزان (۱۴۱۱: ۲۵۴/۱۲) در تفسیر این آیه آمده: آنها مهاجرت کردند تا جامعه اسلامی خوبی را تشکیل دهند که در آن جز خداوند عبادت نمی‌شد و در آن جز به عدل و احسان حکم نمی‌گردید، یا در جامعه‌ای وارد شوند که دارای چنین شأنی باشد.

آنچه در دیدگاه علامه طباطبایی جلب توجه می‌کند، این است که در هجرت، انگیزه‌ای فراتر از آرامش و امنیت اجتماعی وجود دارد و آن تشکیل جامعه‌ای است با محوریت قانونی که بر پایه عدل و انصاف است و بر این اساس «هجرت» صرفاً فرار نیست بلکه حرکت به سوی جامعه‌ای است که در آن زمینه‌های کمال و سعادت انسانی فراهم شود.

۱.۲ اظهار شعائر و تبلیغ دین

هجرت که در فرهنگ اسلام به آن توصیه فراوان شده است، گاهی واجب می‌شود. در تفسیر المنار (۱۳۲۸: ۳۵/۶) آمده است: که «کسی که می‌تواند هجرت کند، هجرت شرط صحیح بودن اسلام اوست.» در وجوب هجرت

پس از آنکه افراد عصیانگر از اطرافیان خود را به سبب دست کشیدن آنان از ریسمان اطاعت و فرمانبرداری مورد نکوهش قرار می‌دهد، می‌فرماید: «بدانید که بعد از هجرت به جاهلیت و بدویت روی آوردید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). در مجمع‌البیان (۱۴۰۶: ۴۳۹/۸) مهاجرت خارج شدن از بدویت و روی آوردن به مدنیت تعریف شده است.

بررسی آثار هجرت در سیره عملی پیامبر اسلام (ص) بیانگر آن است که این هجرت به انگیزه‌های مختلفی از جمله تأمین امنیت اجتماعی و دینی مسلمانان و پیدا کردن نقطه امنی برای تبلیغ و گسترش اسلام صورت گرفت و پیامدهای بسیار عظیم برای جامعه نوپای اسلامی داشت به گونه‌ای که به عنوان بزرگترین واقعه در تاریخ زندگی پیامبر (ص) و همچون نقطه عطفی در زندگی اجتماعی مسلمانان دانسته شد و بسیاری از حوادث بزرگ دیگر با آن سنجیده می‌شوند. شواهد تاریخی بیانگر آن هستند که هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه سرآغاز حرکت نوینی در شکل‌گیری نظام اسلامی شد، و بی‌جهت نیست که با وجود حوادث مهمی در تاریخ اسلام همچون تولد پیامبر (ص) و بعثت آن حضرت، نظریه اهمیت تاریخی هجرت، این واقعه به پیشنهاد حضرت علی (ع) مبدأ تاریخ قرار گرفت (طبری، ۱۴۰۹: ۱۱۲/۲).

بنابراین اگر به استناد آنچه بیان شد، که شواهد تاریخی نیز بر آن حکم می‌کنند و قرآن کریم نیز مؤید آن است، ادعا کنیم که انگیزه اساسی پیامبر (ص) از هجرت به مدینه تمرکز بخشیدن به نظام سیاسی اسلام بود سخنی به گرافه نگفته‌ایم. زیرا که اسلام قبل از هجرت، به عنوان نهضتی فکری، عقیدتی و سیاسی مطرح بود که با بعثت آغاز گشت و اگر این نهضت می‌خواست از جنبه نظری فراتر رود و به عمل پیوندد نیازمند تبدیل شدن به یک نظام بود، نظامی که بر محور خداپرستی و عدالت و احسان در حکم و داوری باشد.

۱. انگیزه‌های هجرت

آنچه از بررسی آیات قرآن به دست می‌آید گویای فواید و آثاری است که هجرت به دنبال دارد و رسیدن به این فواید و آثار از اساسی‌ترین انگیزه‌های هجرت است. این

از سوی دیگر از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود: «لا هجرة بعد الفتح» (حرّ عاملی، ۱۳۸۲: ۳۶/۷) که براساس آن هجرت با فتح مکه انقطاع می‌یابد.

با توجه به تعارض بین این دو دسته از روایات به نظر می‌رسد که نفی هجرت بعد از فتح مکه اختصاص به هجرت از مکه به جای دیگر دارد، رشیدرضا (۱۳۲۸: ۳۶۱/۶) نیز در این زمینه معتقد است که پس از فتح مکه، هجرت به صورت سابق یعنی حرکت از مکه به مدینه از میان رفت زیرا که مکه تبدیل به یک مرکز اسلامی شد.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که هجرت اختصاص به زمان خاص ندارد بلکه در هر زمان که حکمت و سبب آن در جامعه‌ای یافت شود، واجب می‌گردد، و آنچه در مورد از بین رفتن وجوب هجرت به واسطه فتح مکه ذکر شد تنها وجوب را در مورد مکه پس از فتح آن نفی می‌کند. زیرا که مکه پس از فتح، تحت حاکمیت اسلام قرار گرفت و آن حکمتی که قبل از فتح وجود داشت و وجوب آن را ایجاد می‌کرد پس از آن از بین رفت و گرنه حکم وجوب آن، حکم عامی است که مکه به واسطه فتح تخصیصاً از آن خارج گردید. آیات قرآن هم که دلالت بر مشروعیت و وجوب هجرت دارند دلایل آن عام هستند و می‌توانند در زمانهای مختلفی مصداق داشته باشند. طبرسی (۱۴۰۶: ۸۶۱/۴) نیز به این معنی اشاره کرده است که حکم هجرت تا زمان ما هم باقی است چون اگر کسی در «دارالحرب» مسلمان شود و به «دارالاسلام» بیاید مهاجر است.

۲. پیامدهای هجرت

جهت‌گیری اقدامات پیامبر اسلام (ص) پس از هجرت به مدینه، گویای کوشش آن حضرت برای پایه‌ریزی بنیانهای جامعه اسلامی است، جامعه‌ای که دارای نظامی معین در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و حقوقی بود. جامعه مدنی که در مدینه النبی شکل گرفت، جامعه‌ای بود که اعتقادات فردی در آن بر پایه دعوت به توحید و مبانی دینی استوار گردید و در بُعد اجتماعی همه نظامها و شئون حاکم بر جامعه را دربرمی‌گرفت؛ به گونه‌ای که نه تنها پاسخگوی نیازهای جامعه آن روز باشد، بلکه الگوی

اظهار شعائر اسلام به عنوان فلسفه وجوب بیان شده است (نجفی، ۱۴۱۲: ۳۴/۲۱).

مستند این حکم، آیه ۹۷ سوره نساء است که در آن به سؤال ملائکه به هنگام قبض روح برخی از انسانها اشاره شده است که می‌پرسند: «فیم کتّم» که لحنی توییحی است نسبت به کسانی که توان مهاجرت داشتند و مهاجرت نکردند و می‌پرسند: «چرا در چیزی از امور دین وارد نشدید» (رشید رضا، ۱۳۲۸: ۳۵۵/۶)، ولی آنان در پاسخ عذر می‌آورند و می‌گویند: «کنا مستضعفین فی الارض». ملائکه به آنها می‌گویند: «الم تکن ارض الله واسعه فتهاجروا فیها» آن‌گاه می‌فرماید: «فاولئک مأویهم جهنّم و ساءت مصیراً» بنابراین، از آنجا که ترک هجرت را سبب عذاب الهی بیان می‌فرماید می‌توان نتیجه گرفت که هجرت واجب است. رشید رضا در این زمینه می‌گوید: اگرانسان در جایی باشد که نتواند اقامه امر دین بنماید و یا بداند که در جای دیگر بهتر می‌تواند اقامه حق کند و دوام بر عبادت داشته باشد، باید مهاجرت کند (همان، ۳۵۶/۶).

پس از بیان این فلسفه در وجوب هجرت به این نکته اشاره می‌کند که انجام واجبات به صورت مخفیانه موجب ساقط شدن وجوب هجرت نمی‌شود، بلکه انسانها باید بتوانند شعائر اسلامی را به صورت علنی انجام دهند، و اگر این مصلحت یعنی امکان اقامه احکام و اظهار اسلام در جامعه‌ای تأمین شود، وجوب هجرت از بین می‌رود (همان‌جا). در این مورد دو دسته روایت به چشم می‌خورد که با یکدیگر تعارض ظاهری دارند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «والهجرة قائمه علی حدّا الاول» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹). براساس آنچه صبحی صالح در توضیح این عبارت بیان می‌کند، حکم وجوب هجرت برای هرکس که دعوت اسلام به او رسیده و اسلام را به عنوان دین پذیرفته است، باقی است. همچنین روایتی از رسول خدا (ص) نقل شده که بیانگر همین معنی است، در جواهر الکلام (۱۴۱۲: ۳۶/۲۱) نقل شده که آن حضرت فرمود: «لا تنقطع الهجرة حتی تنقطع التوبة و لا تنقطع التوبة حتی تطلع الشمس من مغربها» که این دسته از روایات بر وجوب هجرت در همه زمانها دلالت دارند و براساس آنها انقطاع هجرت در هیچ زمانی جایز نیست.

یک جامعه اسلامی قرار گیرد. اقدامات هدفمند پیامبر (ص) در این جهت قابل توجه و تأمل است.

۲.۱ تبلیغ و گسترش اسلام

توجه پیامبر (ص) به تبلیغ آیین اسلام در هجرت آن حضرت مشهود است. در هر یک از دو هجرت تاریخی که به فرمان آن حضرت (ص) صورت گرفتند یعنی هجرت به حبشه و هجرت به مدینه، تبلیغ اسلام از نتایج مهم بود.

طبری (۱۴۰۶: ۵۴۶۲) پس از نقل مقدماتی که موجب هجرت یاران پیامبر (ص) به حبشه شد گسترش اسلام در آن سرزمین و وارد شدن بسیاری از بزرگان آن سرزمین به اسلام را حاصل هجرت مسلمانان به آن سرزمین می‌شمارد.

در هجرت به مدینه نیز پیامبر اسلام (ص) مقدماتی را پایه‌ریزی کردند که براساس آن نه تنها تبلیغ اسلام از دستاوردهای شگرف آن هجرت بود بلکه زمینه‌سازیهایی تبلیغی قبل از هجرت موجب تسهیل و موفقیت در این امر شدند. بر حسب اقوال کتب تاریخی و سیره، گروهی از مردم در سال یازدهم بعثت در موسم حج با رسول خدا (ص) ملاقات کردند (نک: ابن‌هشام، ۳۵۹/۱). این گروه پس از بازگشت به مدینه، آنچه را که بین آنان و رسول خدا (ص) روی داده بود برای قوم خود بازگو کردند و آنان را به اسلام خواندند تا آنجا که اسلام بین ایشان رواج یافت و خانه‌ای از خانه‌های انصار نبود مگر اینکه در آن سخن از رسول خدا بود (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۹۶۲).

این اقدامات تبلیغی در سالهای دوازدهم و سیزدهم بعثت با پیمانهای عقبه اول و عقبه دوم ادامه یافتند. پیامبر به واسطه این دو بیعت سعی داشتند اسلام را در مدینه گسترش دهند و با زمینه‌هایی که در آن سرزمین فراهم می‌دید این بیعتها برقرار می‌شدند؛ این پیمانها بر اساس حمایت و وفاداری ایشان به پیامبر (ص) در برابر دشمنان منعقد می‌شدند (ابن‌هشام، ۳۱۹/۱). براساس محتوای این پیمانها می‌توان به تأثیر آنها در ایجاد زمینه‌های لازم برای هجرت رسول خدا (ص) به مدینه پی برد. اگر این زمینه‌ها ایجاد نمی‌شدند هرگز معارف و فرهنگ اسلام به جامعه مدینه نفوذ نمی‌یافت و حتی در محیط مکه هم با

وجود فشارها و مخالفتها دچار رکود و رخوت می‌شد. پس از هجرت به مدینه، اسلام در میان مردم آن شهر و سپس از آنجا به سرزمینهای مجاور و نهایتاً به سراسر جزیره العرب گسترش یافت، زیرا هر یک از مهاجرین که سالیان درازی را در کنار پیامبر (ص) در مکه زندگی کرده بودند به عنوان مبلغان آشنا به مبانی عقیدتی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی اسلام نقش مهمی را در این زمینه ایفا کردند.

از سوی دیگر، مسلمانان به سبب هجرت به مدینه از اقتدار خاصی برخوردار شدند به گونه‌ای که می‌توانستند علاوه بر تبلیغ زبانی، الگوهای عملی خوبی در زمینه‌های مختلف ارائه دهند. امام علی (ع) در مورد رسول خدا می‌فرماید: «مولده بمکه و هجرت به مدینه، علا بها ذکره و امتد منها صوته» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱). ابن ابی‌الحدید (۱۳۸۷: ۲۳۸/۹) علت گسترش اسلام پس از هجرت به مدینه را، پیروزی و نصرتی می‌داند که مسلمانان به آن دست یافتند.

۲.۲ ایجاد وحدت دینی

از جمله اقدامات اساسی پیامبر (ص) در بدو ورود به مدینه تحکیم وحدت مسلمانان و دعوت به اجتماعات اسلامی در شکل‌های گوناگون است. بنا بر قول ابن‌اثیر (۱۴۰۷: ۸۰۹/۲)، رسول خدا (ص) قبل از ورود به مدینه از دوشنبه تا پنجشنبه در محله قبا اقامت داشت و مسجد قبا را بنا کرد. آن‌گاه از قبا به طرف مدینه آمد و در همان روز که در میان قبیله بنی‌سالم بن‌عوف فرود آمد، اصحاب خود را جمع کرد و نماز جمعه را در بین آنان اقامه نمود. و این اولین نماز جمعه و اولین خطبه رسول خدا بود.

وحدت بخشیدن به امت اسلامی از گام‌های اساسی پیامبر (ص) بود. آن حضرت به خوبی واقف بود که مهاجر و انصار در دو محیط مختلف پرورش یافته بودند، بنابراین، در طرز تفکر با یکدیگر اختلاف داشتند. وانگهی میان دو قبیله اوس و خزرج، که گروه انصار را تشکیل می‌دادند، سابقه نزاعهای طولانی وجود داشت و با وجود این اختلافها ادامه حیات سیاسی امت اسلام با خطر جدی مواجه می‌شد و جامعه اسلامی بدون وحدت و اتفاق، نمی‌توانست به سعادت و رستگاری دست یابد.

نظام سیاسی - اجتماعی مسلمانان گشود، در این زمینه به وضع و تدوین قانونی جامع پرداخت. این اقدام را در طلیعه هجرت به مدینه می‌توان دلیل بر اهتمام آن حضرت نسبت به تشکیل جامعه مدنی دانست که هجرت زمینه‌ساز آن بود. دکتر صبحی صالح (۱۳۷۹: ۱۹) تحت عنوان «کتب نوشته شده در عهد پیامبر» به این مطلب تصریح می‌کند که پیامبر اسلام (ص) در سال اول هجرت به نوشتن صحیفه‌ای فرمان داد که شبیه‌ترین چیز به قانون اساسی دولتی بود که در آن زمان در مدینه نضج گرفت و صحیفه‌ای بود که رسول خدا (ص) در آن حقوق مهاجرین، انصار، یهود و قوم عرب در مدینه را تدوین کرد. همچنین از ادامه سخن او چنین برمی‌آید که این کتاب نزد صحابه تواتر داشته و مشتمل بر احکام و قوانین دیگری از جمله معادل و دیات، آزادی اسیر و قصاص بود (همان‌جا).

باتوجه به محتوای این کتاب که در آن احکام و قوانین به تفصیل بیان شده‌اند و حقوق اجتماعی مردم، اعم از مهاجر و انصار و یهود و عرب مدینه در نظر گرفته شده است، می‌توان به عمق تدبیر رسول خدا (ص) در پایه‌ریزی نظام اجتماعی مسلمانان دست یافت. پیامبر (ص) با این قانون اجزای متفرق مدینه را به یکدیگر پیوند داد و همه افراد را به صورت یک واحد سیاسی در این سرزمین اداره کرد. این قانون آن قدر عام و شامل بود که به نظر می‌رسد که آنچه بعداً در سراسر سرزمین حجاز توانست به عنوان قانون حکومتی درآید، نشأت گرفته از آن بوده است.

نکته درخور توجه در این قانون کلمه «حرم» است که به سرزمین مدینه اطلاق شده است. این کلمه علاوه بر بار معنایی که از نظر فقهی دارد و احکام خاص فقهی بر آن مترتب است، از نظر سیاسی به معنای تعیین و تشخیص حدود دولت است. به همین دلیل پیامبر اسلام (ص) پس از فتح مکه در سال هشتم هجرت دستور داد تا ستونهایی را که برای تعیین حدود حرم مکه از زمان حضرت ابراهیم (ع) نصب شده بودند، بازسازی کنند (ابن سعد، ۱۲۸۸: ۲/ ۹۹).

در این زمینه می‌توان اقدام پیامبر (ص) را در مورد آمارگیری از مسلمانان در مدینه و در بدو هجرت ذکر

بنابراین، پیامبر اسلام (ص) پس از هجرت به مدینه بین مهاجرین و انصار برادری ایجاد کرد و آن را مطمئن‌تر از رابطه خویشاوندی و همخونی و سوگند شمرد. در این پیوند اخوت بر وحدت در هدف تأکید شده بود به گونه‌ای که نسبت به چیزی مگر برای خداوند و رضای او دوستی یا کراهت نورزند و رضایت ندهند یا غضب نکنند.

ابن اسحق (۱۲۳/۲) در سیره خود به این پیمان اخوت که در سال اول هجرت بین مهاجر و انصار بسته شد، اشاره کرده و نوشته است که دو طرف درضمن آن ملزم شدند که یکدیگر را در راه حق یاری دهند تا جایی که پس از مرگ نیز از هم ارث می‌بردند. حضرت رسول (ص) به آنان فرمود: دو به دو با هم برادر دینی شوید سپس دست علی بن ابی طالب (ع) را گرفت و فرمود: این برادر من است. بدون تردید در این پیمان برادری مقصد دقیقی نهفته

است که بر دور اندیشی و تعمق پیامبر اسلام (ص) دلالت دارد. مهاجرین بر قومی وارد شدند که با ایشان به واسطه هیچ یک از روابطی که اعراب را به یکدیگر پیوند می‌دادند، رابطه نداشتند و بین اوس و خزرج که ساکن مدینه بودند کینه‌های قدیمی وجود داشت و معرکه جنگهای مداوم به بهانه کلمه‌ای زودگذر و مانند آن از جانب یکی از دو گروه در می‌گرفت. مضافاً آنکه هجرت‌کنندگان به سوی مدینه هرچه را که در مکه داشتند رها کردند و اغلب به غذای روزانه خود نیز نیازمند بودند. این پیمان، چنان احساس مسئولیتی در انصار در برابر برادران مهاجرشان ایجاد کرد که تا مرحله ایثار پیش رفتند و برادری اسلامی جایگزین روابط گذشته شد و این برادری نقش خود را در پیروزیهایی که مسلمانان به آنها دست یافتند، ایفا کرد.

بنابراین، پیامبر اسلام که با هجرت خود به مدینه، پایه‌ریزی نظام اسلامی را دنبال می‌کرد، با طرح وحدت دینی در بین امت اسلامی زمینه را برای حل دو مشکل عمده دیگر که در سر راه نظام اسلامی قرار داشتند، فراهم آورد: خطر قریش و بت پرستان مکه و خطر یهودیان مدینه و اطراف آن که از اموال و امکانات فراوان برخوردار بودند.

۳.۲ تدوین نخستین منشور سیاسی و قانون اساسی

پیامبر اسلام (ص) که با هجرت به مدینه فصل نوینی در

دهند یا به هنگام حمله قریش به مدینه به آنها کمک کنند و یا پایگاه در اختیار آنها قرار دهند، وجود داشت.

۲. اگر مکیان می‌خواستند به سوی سوریه یا مصر بروند باید از نزدیک مدینه عبور می‌کردند. اگر قبایل مقیم سرزمین فیما بین مدینه و بندر ینبوع متحد می‌شدند شاهراه ارتباطی کاروانهای مکیان اگر به کلی قطع نمی‌شد لاقلاً به آسانی در معرض خطر جدی قرار می‌گرفت. پیامبر (ص) با تجدید برخی از پیمانها، که قبل از اسلام نیز بین انصار و قبایل مذکور وجود داشت و یا با عقد قرارداد جدید، پیوند محکمی بین مسلمانها و قبایل اطراف مدینه ایجاد کرد. اگر این پیمانها که با نهایت تدبیر و دوراندیشی همراه بودند وجود نمی‌داشتند پیامبر (ص) در نشر دعوتش در مدینه مشکلاتی را متحمل می‌شد که شاید از مشکلات سیزده سال دعوت در مکه (قبل از هجرت) کمتر نبودند و به قول معروف حسنی (۱۴۱۰: ۲۷۷) این پیمانها بر اقتدار پیامبر (ص) دلالت دارند و اقدامی است که ایشان در جهت تحقق بخشیدن به وحدت یثرب و وضع نظام سیاسی اسلام صورت دادند.

عمده محتوای این پیمانها را وحدت، حسن همجواری براساس حقوق تعریف و تعیین شده برای افراد و گروهها، پیمان همکاری دفاعی، حفظ حرمت مدینه، داوری پیامبر (ص) در مسائل مورد نزاع، تشکیل می‌داد (آیتی، ۱۳۶۶: ۲۳۴).

ب) درگیری با یهودیان پیمان شکن

به‌رغم پیمانهای دوستی و حسن همجواری که پیامبر اسلام (ص) منعقد ساخت، کارشکنیها از جانب یهود و منافقین هر لحظه رشته این پیمانها را از هم می‌گسست. پیروزی بزرگی که در جنگ بدر نصیب مسلمانان شد، موجب شد یهود خطر اسلام را برای منافع خود جدی تلقی کند و به صورتی مخفیانه بر کارشکنیهای خود بیفزاید. لذا درصدد برآمدند که به تجهیز قوا پردازند و با نیرنگ در فرصت مناسب، پیامبر (ص) و مسلمانان را مغلوب سازند. بنی قینقاع اولین یهودیانی بودند که عهد خود و رسول خدا (ص) را شکستند و در فاصله زمانی بین جنگهای بدر و اخذ با مسلمانان جنگیدند (ابن هشام، ۵۱/۳). رسول خدا (ص) آنها را محاصره کرد که به حکم

کرد که به منظور تعیین جمعیت مسلمانان در حدود حریم دولت شهری انجام پذیرفت. دکتر صبحی صالح (همان، ص ۵) به این فرمان رسول خدا (ص) در سال اول هجری اشاره می‌کند که بر اساس آن مقرر شد که همه مسلمانان، از کوچک و بزرگ و زن و مرد، در مدینه شمارش شوند.

۴. ۲ تأمین امنیت مرزها

پیامبر اسلام (ص) باتشکیل نظام اسلامی در مدینه به تأمین امنیت مرزهای حاکمیت اسلامی پرداخت. با یهودیان اطراف مدینه پیمان عدم تعرض بست و ابتدا مقابله با دشمنان خارجی را در اولویت قرار داد. تصمیم آن حضرت برای نحوه مقابله با هر یک از گروهها و طوایف، براساس شرایط اجتماعی و سیاسی و، همچنین، نحوه برخورد ایشان با مسلمانان رقم می‌خورد، به گونه‌ای که حسن تدبیر و آینده‌نگری پیامبر (ص) در نوع رفتار با این گروهها، آثار و نتایج بسیار شگرف در تثبیت موقعیت سیاسی مسلمانها داشت تا آنجا که توانستند در سایه آن، پیروزیهای درخشانی نصیب اسلام کنند و از حجم تهاجمات دشمن علیه مرکز نوپای حکومتی در مدینه بکاهند و دعوت خود را در مدت زمان کوتاهی به سراسر سرزمین حجاز ابلاغ کنند. در این جهت دو اقدام اساسی صورت پذیرفت:

الف) پیمان عدم تعرض با یهودیان اطراف مدینه

پیامبر اسلام (ص) پس از استقرار در مدینه، به پیوند برادری بین اوس و خزرج و، همچنین، به پیوند آنان و سایر مسلمانان اکتفا نکرد، بلکه تلاش وسیعی در جهت تحقق وحدت بین همه ساکنان مدینه اعم از مسلمان و اهل کتاب از طوایف سه گانه یهود (بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه) مبذول داشت. از تأمل در منابع تاریخی برمی‌آید که این اقدام سیاسی پیامبر (ص) به دلایل زیر انجام پذیرفت:

۱. طوایف سه گانه یهود در حاشیه مدینه زندگی می‌کردند و، درواقع، مرز دولت اسلامی در آن زمان، همان مرزهای جغرافیایی مدینه بود. باتوجه به گرایشهای سیاسی و موقعیت جغرافیایی که یهودیان مذکور داشتند، احتمال اینکه جامعه نوپای مدینه را مورد تهدید قرار

نخستین پرچم را به حمزه بن عبدالمطلب داد و او را به همراه سی سوار از مهاجرین به کرانه‌های دریای سرخ، که مسیر کاروان قریش بود، فرستاد که نهایتاً پس از قرارداد صلح به مدینه بازگشتند (ابن هشام، ۲/۲۲۲). در این حرکت‌های نظامی گاهی شخص رسول اکرم (ص) نیز شرکت می‌کرد. ابن اثیر (۱۴۰۷: ۳۶۳/۲) در حوادث سال دوم هجرت به برخی از این اقدامات، که با حضور پیامبر (ص) صورت گرفت، اشاره کرده است.

از قراین تاریخی چنین برمی‌آید که هدف از این تحرکات که گاه به درگیری و گاه به بستن پیمانهای نظامی می‌انجامید، آگاه کردن قریش از توان نظامی مسلمانان بود. به ویژه زمانی که رسول خدا (ص) شخصاً حضور می‌یافت اوج اقتدار مسلمانان را در برابر مشرکان به نمایش می‌گذاشت. آنچه بیش از هر چیز در این میان مورد تهدید قرار می‌گرفت خطوط بازرگانی و تجاری آنان بود که برای ایشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

ب) سازمان دهی رزمی

شکل‌گیری سازمان رزمی مسلمانان که در مدینه آغاز گردید، با گذر زمان سیر صعودی طی کرد. تاریخ نشان می‌دهد که تعداد سپاهیان اسلام در جنگهای بدر، اُحُد، احزاب و فتح مکه به صورت یک تصاعد هندسی رو به افزایش نهاده است. ابن کثیر (۱۴۰۸: ۲۶۸/۳) تعداد سپاهیان اسلام را در جنگ بدر سیصد و سیزده نفر می‌داند. در حالی که واقدی (۲۴/۱) تعداد کسانی را که با پیامبر (ص) برای جنگ بدر خارج شدند، سیصد و هشتاد و پنج نفر می‌شمارد که احتمالاً این تفاوت بین اقوال ابن کثیر و واقدی مربوط به کسانی باشد که بعداً از صحنه نبرد بازگشتند. قول ابن سعد (۱۲۸۸: ۶/۲) به عدد اول نزدیکتر است زیرا که او می‌گوید: «سپاهیان اسلام در این نبرد سیصد و چند نفر بودند». در مجموع می‌توان گفت که عدد سپاهیان اسلام در این صحنه در حدود سیصد نفر بوده است. نگاهی به تاریخ در مورد عدد سپاهیان اسلام در جنگ اُحُد بیانگر آن است که رقم سپاهیان بنابر نقل ابن هشام (۲/ ۵۶۱) هفتصد نفر بوده است. سایر مورخان عدّه سپاه اسلام را در جنگ اُحُد تا هزار نفر نقل کرده‌اند. در جنگ احزاب تعداد لشکریان اسلام سه هزار نفر

او گردن نهادند، پیامبر (ص) به دلیل هم‌پیمانی آنها با خزرج از کشتن آنها دست کشید و آنها را تا اذرعات، در سرزمین شام، راند و تنها عدّه کمی که ماندند، هلاک شدند (ابن اثیر، ۱۴۰۷: ۳۳/۲).

سپس یهودیان بنی‌قریظه نیز به پیمان‌شکنان پیوستند. سران آنها به صورت دست جمعی نزد مشرکین مکه رفتند و آنها را به جنگ با مسلمانان تشویق کردند. ابن اثیر با اشاره به ماجرای پیمان‌شکنی بنی‌قریظه علت آن را تحریک یکی از یهودیان می‌داند که آنها را مجبور کرد تا با پیامبر (ص) از در نیرنگ وارد شوند (همان، ۷۱/۲). پیامبر (ص) که از این قصد آگاه شد پس از بازگشت از غزوّه خندق تصمیم به فروپاشی جمعیت آنها گرفت، لذا مسلمانان را بسیج کرد و فرمان داد تا آهنگ جنگ با بنی‌قریظه کنند (همان، ۷۵/۲).

همچنین موقعیت یهودیان خیبر از نظر مسلمانان مشکوک بود. اینها آخرین دسته متشکل از یهودیان بودند که پس از بنی‌قریظه به کارشکنی پرداختند و قصد حمله به مدینه را داشتند. پیامبر (ص) پس از آگاهی از توطئه این گروه، در سال هفتم هجرت، پس از بازگشت از حدیبیه، ماه ذی الحجه و مقداری از محرم را در مدینه اقامت کرد. سپس در باقیمانده محرم به سوی خیبر از مدینه خارج شد (ابن هشام، ۳۴۲/۳). حرکت پیامبر (ص) و مسلمانان به سوی خیبر، ترس و وحشت عجیبی در دل یهودیان خیبر ایجاد کرد. آنها به قلعه‌های خود پناهنده شدند ولی در نهایت پایداریشان در قلعه به شکست انجامید (همان، ۳۴۳/۳).

۵. ۲ مانور نظامی و سازمان‌دهی رزمی در مدینه

از آنجا که وجود نیروی نظامی مقتدر از ضروریات حاکمیت است از اقدامات اساسی پیامبر (ص) در جهت تقویت این حاکمیت تقویت بنیه نظامی مسلمانان بود. این اقدامات در دو جهت قابل بررسی هستند:

الف) حرکتها و مانورهای نظامی

چند ماهی بیشتر از استقرار پیامبر (ص) و مسلمانان در مدینه نگذشته بود که آن حضرت (ص) به یک رشته تحرکات نظامی دست زد. در رمضان سال اول هجرت،

نامه‌های پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه، نمونه‌های بارزی از اجرای قوانین حاکم بر روابط اجتماعی هستند که توسط آن حضرت (ص) پایه‌ریزی شدند.

نتیجه‌گیری

در نگرش اسلام به مسائل اجتماعی، به موضوع «هجرت» برمی‌خوریم که در قرآن کریم و سیره قولی و عملی رسول گرامی اسلام (ص) مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. صرف‌نظر از آثار فردی این پدیده، از بُعد اجتماعی می‌توان به آثار شگرف آن در تاریخ صدر اسلام پرداخت به گونه‌ای که منشأ تحولات بسیار عظیمی گردید که باعث شکل‌گیری جامعه اسلامی و تثبیت و تقویت پایه‌های نظام اسلامی شد. این موضوع از دو بُعد قابل بررسی و مطالعه است: بُعد نظری و بُعد عملی.

در نگرش به «هجرت» از بُعد نظری، عمده‌ترین انگیزه‌هایی که موجب هجرت‌های تاریخ‌ساز پیامبر اسلام (ص) شدند عبارت‌اند از:

۱. **دستیابی به امنیت و گشایش در زندگی.** بدون تردید مسلمانان نیازمند جایگاه امنی بودند که بتوانند در آسایش زندگی کنند و زمینه فراگیری تعالیم اسلام و عبادت خداوند را بیابند. اما در این نگرش برخی از مفسران در تبیین آیات قرآن، که بیانگر این موضوع هستند، این انگیزه را فراتر از آسایش و امنیت اجتماعی دانسته‌اند و هدف اصلی را دستیابی به جامعه‌ای با حاکمیت قوانین و مقررات و نظام‌های اسلامی می‌دانند، که در نگرش عملی به «هجرت» این انگیزه با پیامدهای عملی آن قابل انطباق است.

۲. **اظهار شعائر و تبلیغ دین.** آنچه در روایات به عنوان فلسفه وجوب هجرت بیان شده است، اظهار شعائر و تبلیغ دین است. زیرا که چه بسا برای مسلمانان حتی در شرایط سخت، انجام عبادات به صورت پنهانی ممکن بود؛ ولی آنچه باعث گسترش اسلام شد زنده کردن شعائر دینی و اظهار آن و ابلاغ به جوامع دیگر بود، که در هجرت تأمین گردید.

در بُعد عملی، مهمترین پیامدهای هجرت در تاریخ زندگی پیامبر اسلام (ص) مورد بررسی قرار می‌گیرند که

بودند (طبری، ۱۴۰۹: ۹۳/۲) و پیامبر اسلام (ص) برای فتح مکه یک لشکر ده هزار نفری را آماده نبرد کرد (ابن هشام، ۶۳/۴).

۲.۶ بیان و تفصیل احکام در آیات مدنی

آیات قرآن، همگام با رشد نیازهای اساسی جامعه اسلامی در ابعاد گوناگون به پاسخگویی این نیازها می‌پرداختند. در بررسی آیات قرآن این نتیجه به دست می‌آید که بخش عمده احکام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی در آیات مدنی قرآن مطرح و تبیین شده است، به گونه‌ای که این امر به عنوان یکی از ملاکهای بازشناسی آیات مدنی از آیات مکی در علوم قرآنی مطرح می‌شود (سیوطی، ۱۴۱۱: ۲۹/۱). نگاهی به آیات سوره بقره (مثلاً آیات ۱۸۰ و ۲۴۰) از سوره‌های مدنی قرآن، بیانگر آن است که در این سوره، حکم قصاص و مسائل مربوط به آن مطرح شده است. همچنین احکام وصیت در آیات (۱۸۰ و ۲۴۰)، احکام طلاق در آیات (۲۲۷ تا ۲۳۲) و حرمت ربا در آیه ۲۷۶ آمده است. همچنین بررسی آیات سوره نساء (از سوره‌های مدنی قرآن) نشان می‌دهد که در این سوره مسائل و احکامی در مورد ازدواج، حقوق زنان، ارث، طلاق و، همچنین، موضوعاتی از قبیل هجرت، احکام تجارت و شهادت در قضا مطرح شده‌اند.

بنابراین، پیامبر اسلام (ص) که با هجرت خود به مدینه، نظام اسلام را پایه‌ریزی کرد، این نظام را در قالب احکام الهی، که سرچشمه‌اش وحی و قوانین الهی بود، ریخت. احکامی که با نزول آیات قرآن به پیامبر (ص) در طول حیات مدنی آن حضرت ابلاغ شدند، مقوم چنین نظامی بودند. حتی در زمینه برخی از احکام که آیات مربوط به آنها در مکه نازل شده بودند تأکید پیامبر (ص) در اجرای این احکام در مدینه در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مشهود است. در زمینه سیاسی به اقدامات دفاعی پیامبر (ص) در برابر یهود و مشرکین می‌توان اشاره کرد. در زمینه اقتصادی احکام عمده در این زمینه، پس از هجرت به مدینه به مرحله عمل درآمد. در مسئله زکات اگرچه حکم آن در مکه (قبل از هجرت) نازل شد ولی اجرای حکم آن در سالهای آخر اقامت مسلمانان در مدینه (در دوران هجرت) بود (عاملی، ۱۴۱۵: ۱۰۲/۳). در زمینه روابط اجتماعی، پیمان

عبارت‌اند:

۱. تبلیغ و گسترش اسلام
۲. ایجاد وحدت دینی
۳. تدوین قانون
۴. تأمین امنیت مرزها
۵. ایجاد سازمان رزمی
۶. بیان و تفصیل آیات احکام.

مروری اجمالی بر مجموعه این پیامدها ما را به این نتیجه واقف می‌سازد که پیامبر اسلام (ص) با هجرت خود درصدد تشکیل و نظام بخشی جامعه اسلامی بود. لذا اقدامات انجام شده در آستانه هجرت به مدینه، در یک‌جهت و برای دستیابی به چنین هدفی بود.

و در مجموع می‌توان به این نتیجه دست یافت که «هجرت» در بُعد نظری با بررسی انگیزه‌های اساسی آن که از آیات قرآن و روایات معصومین (ع) استنباط می‌شود، با بُعد عملی آن که در اقدامات پیامبر (ص) پس از هجرت تاریخی به مدینه و پیامدهای آن مشهود است، قابل انطباق است و می‌توان هر دو را در جهت تمرکز بخشیدن به نظام اجتماعی اسلام دانست و بدین جهت، «هجرت» واقعه‌ای مهم درصدر اسلام است که نقطه عطف در تاریخ اسلام شد و مبدأ تاریخ قرار گرفت.

منابع

- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۶۶)، *تاریخ پیامبر اسلام*، انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن ابی الحدید (۱۳۸۷ ق)، *شرح نهج البلاغه*، دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن اثیر الکامل فی التاریخ، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
- ابن اسحق، محمد، *سیره النبی*، اداره النشر و التوزیع، بی تا.
- ابن سعد، محمد (۱۹۶۸ م/۲۸۸ ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر.
- ابن کثیر، حافظ (۱۴۰۸، ۱۹۸۸ ق)، *البدایه و النهایه*، مکتبه المعارف.
- ابن هشام، عبدالملک، *السیره النبویه*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- توین بی، آرنولد (۱۳۶۶)، *تاریخ تمدن، تحلیلی از تاریخ جهان از آغاز تا عصر حاضر*، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران، نشر مولی.
- _____، *فلسفه نوین تاریخ*، ترجمه بهاء الدین پارساگاد، بی تا.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۲)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، دار احیاء التراث العربی.
- رشید رضا، سید محمد (۱۳۲۸)، *تفسیر القرآن الحکیم (المنازل)*، مصر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۱ هـ/۱۳۶۹ ش)، *الایقان فی علوم القرآن*، قم، الشریف الرضی.
- صالح، صبحی (۱۳۷۹ ق)، *علوم الحدیث و مصطلحه*، دانشگاه دمشق.
- _____، *نهج البلاغه*، انتشارات دارالهجره قم، بی تا.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۱ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۶ ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو.
- طبری، ابن جعفر محمد بن جریر (۱۴۰۹ ق)، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۵ ق)، *الصحب من سیره النبی الاعظم*، بیروت، دارالهادی، دارالسیره.
- حسینی، هاشم معروف (۱۴۱۰ ق)، *سیره المصطفی*، قم، شریف الرضی.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۱۲ ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، مؤسسه المرتضی العالمیه. ■